

## بررسی واژه «ذَرَأَ» در قرآن و متون مقدس یهودی-مسیحی<sup>۱</sup>

محمود مکوند<sup>۲</sup>

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

الهام شیرمحمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

### چکیده

پژوهش حاضر با نگاهی تطبیقی به بررسی واژه «ذَرَأَ» در قرآن و متون مقدس یهودی-مسیحی پرداخته است و با رویکردی تاریخی بر ریشه‌شناسی این واژه در زبان‌های عربی، عبری، سریانی و آرامی متمرکز شده است. یک تحلیل ریشه‌شناختی در تبیین برخی الگوهای حاکم بر ابدال‌ها و پدیده‌های آواشناختی میان زبان‌های پیش‌گفته سودمند است. این تحلیل ارتباط میان صورت‌های «ذَرَأَ» و «ذَرُو» را و نیز ابدال همخوان عبری «آ» (هه) به صامت‌های همزه و واو را در زبان عربی توضیح می‌دهد. همچنین این پژوهش نشان می‌دهد که استعاره مفهومی «آدمیان، خرمن هستند» در قرآن و متون مقدس یهودی-مسیحی به کار رفته است. در استعاره فوق حوزه مبدأ، خرمن و حوزه مقصد، آدمیان هستند. همچنین سویه مورد تأکید، اشمال بر دو بخش سره و ناسره یا ارزشمند و بی‌ارزش است. بنا بر پژوهش حاضر، متون مقدس پیش‌گفته متناسب با جهان‌بینی مخاطبان نخستین خود برای بیان موثر آن دسته از مقاصد و آموزه‌های تربیتی و فرهنگی که به امور انتزاعی مرتبط هستند از زبان استعاری بهره برده‌اند. توجه نکردن به این زبان و ویژگی‌های آن می‌تواند مفسران را گرفتار مفاهیم جاافتاده‌ای کند که در طی سده‌ها در تفاسیر تکرار شده‌اند و یا اساساً در سده‌های بعدی در جهان اسلام شکل گرفته‌اند.

### کلیدواژه‌ها

«ذَرَأَ»، قرآن، متون مقدس یهودی-مسیحی، ریشه‌شناسی، مطالعه تطبیقی، استعاره مفهومی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۲۵

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): mmakvand@khu.ac.ir

## ۱. مقدمه

مفسران، لغویان و دانشمندان علوم قرآنی از دیرباز تاکنون در باب مفردات بسیار سخن گفته‌اند و انبوهی اوراق و سطور را به این امر اختصاص داده‌اند. پیداست که این مسأله ویژه مطالعات قرآنی نیست و در مطالعات کتاب مقدس نیز آثار و مکتوبات فراوان در حوزه مفردات تألیف شده است. در پژوهش حاضر با رویکردی تاریخی به ریشه‌شناسی (etymology) واژه «ذراً» پرداختیم و با نگاهی تطبیقی در باب کاربست آن در قرآن، متون مقدس یهودی-مسیحی و ادبیات کهن عرب سخن گفتیم.

خاستگاه اصلی واژه etymology زبان یونانی است و از دو بخش *étymos* به معنای «درست و راستین» و *logós* به معنای «کلمه» ترکیب یافته است.<sup>۱</sup> شاید نخستین پرسشی که از سوی علاقه‌مندان به زبان مطرح گردیده است آن باشد که «چرا فلان واژه دارای فلان معنی است؟» یونانیان باستان این پرسش را مورد توجه قرار دادند و کوشیدند تا به وسیله دانشی که ریشه‌شناسی می‌نامیدند درباره آن به تحقیق بپردازند. اما به واسطه نداشتن تصویری صحیح یا دقیق نسبت به تاریخ تحولات زبانی، بررسی‌های آن‌ها بیشتر به اشتقاق واژه‌های یونانی از واژه‌های یونانی دیگر محدود می‌گردید.<sup>۲</sup>

همین رویکرد در منابع لغوی و ادبیات تفسیری مسلمانان، هنگام بحث و بررسی واژگان به صورت برجسته مورد توجه قرار گرفته است در حالی که نگاه در زمانی یا تاریخی به تحول یک واژه در این آثار، مغفول واقع شده است. از این رهگذر، ضرورت کاربست یک تحلیل ریشه‌شناختی برای دستیابی به فهمی دقیق در باب صورت‌ها و معانی واژه در یک محدوده زمانی مشخص، آشکار می‌گردد. در ریشه‌شناسی به مطالعه خاستگاه، معنا، سرگذشت واژه و تطور و تغییر آن از صورتی به صورت دیگر سخن گفته می‌شود. روشن است که برای به دست دادن ریشه‌شناسی کامل یک واژه باید آن واژه را در کلیه مراحل تاریخی زبان مورد مطالعه قرار داد.<sup>۳</sup>

1. Bussmann, Hadumod, *Dictionary of Language and Linguistics*, London, Taylor & Francis e-Library, 2006, p.385.

۲. آراتو، آنتونی، *درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی*، ترجمه دکتر یحیی مدرس، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۴ش، ص ۲۸.

3. Brown, Keith & Jim Miller, *The Cambridge Dictionary of Linguistics*, University Printing House, Cambridge, 2013, p.185.

با این همه، پژوهش حاضر کار خود را به بررسی واژه «ذَرَأَ» در خانواده زبان‌های سامی و به صورت مشخص زبان‌های عربی، عبری، آرامی و سریانی و نیز مطالعه تطبیقی کاربردهای آن در قرآن و متون مقدس یهودی-مسیحی محدود کرده است. بنابراین ابتدا نظرگاه مفسران و مترجمان را درباره واژه توضیح داده‌ایم و به مسأله کلامی ناشی از این نظرگاه اشاره کرده‌ایم. در ادامه، اقوال لغویان عرب را بازگو کرده‌ایم و با مراجعه به فرهنگنامه‌های سامی، صورت و معنای واژه را در زبان‌های عبری، آرامی و سریانی بررسی کرده‌ایم. سپس جهت ارائه گزارشی مبسوط از مفاهیم واژه به کاربردهای آن در قرآن و متون مقدس یهودی-مسیحی پرداخته‌ایم. در پایان مبتنی بر بررسی‌های انجام شده و با نظر به نظریه «استعاره‌های مفهومی» مفاهیم واژه را تحلیل کرده‌ایم و از زبان استعاری قرآن و متون مقدس یهودی-مسیحی سخن گفته‌ایم.

بنابر آنچه گذشت، پژوهش حاضر به پرسش‌های زیر پاسخ خواهد گفت:

۱. ریشه‌شناسی واژه چه نقشی در شناخت دقیق صورت واژه و پیوند آن با واژگان همزاد در متون مقدس سامی دارد؟

۲. مفاهیم واژه در قرآن و متون مقدس یهودی-مسیحی کدام است؟ و بررسی این

معانی چه کارکردی در فهم زبان متون مقدس پیش گفته دارد؟

پاسخ به پرسش‌های فوق، از یک سو الگوی حاکم بر ابدال‌ها و برخی پدیده‌های آواشناختی را در زبان‌های سامی پیش گفته توضیح می‌دهد و از سوی دیگر پیوند تنگاتنگ میان متون مقدس و اهداف تعلیمی مشترک آن‌ها را بر آفتاب می‌کند. از دیگر نتایج این پژوهش فهم مسأله زبان متون مقدس به طور عام و زبان قرآن به طور خاص است. چنان‌که می‌دانیم مسأله زبان قرآن یکی از مباحث بنیادین در تفسیر است و رویکردهای متفاوت به آن، بر فرآیند و فرآورده تفسیری هردو تأثیر خواهد گذاشت. افزون بر این، پژوهش حاضر امکان نزدیک شدن به فهم مخاطبان نخستین قرآن را در عصر نزول فراهم خواهد آورد.

## ۲. «ذَرَأَ» در تفاسیر و ترجمه‌های قرآنی

در این بخش آرای مفسران و مترجمان را در مورد واژه «ذَرَأَ» بررسی خواهیم کرد و به نقل مهم‌ترین اقوال ایشان خواهیم پرداخت. برای این منظور آیه ۱۷۹ سوره اعراف که رهیافت

مقاله حاضر را به خوبی تبیین می‌کند محل بحث قرار گرفته است: *وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ* (اعراف/۱۷۹).

عموم مفسران واژه «ذراً» را در این آیه به تبعیت از لغویان و مفسران مسلمان سده‌های نخست اسلامی، آفریدن، ایجاد کردن و مانند آن تفسیر کرده‌اند.<sup>۱</sup> برای مثال تفسیر المنار با برشمردن معانی فوق، سخن خود را مستند به اقوال ابن عباس، راغب اصفهانی و ابن منظور می‌کند. گفتنی است که بنابر قول المنار، کاربردهای «ذره» نشان می‌دهد که مفهوم اساسی این ریشه پراکندن، پخش کردن، تفریق و تکثیر است اما هرگاه این ریشه در قرآن به الله اسناد یابد به معنای آفریدن و ایجاد کردن است.<sup>۲</sup>

مفسری دیگر نیز گفته است: «از آن‌جا که آفرینش موجودات موجب انتشار و پراکندگی آن‌ها در روی زمین می‌گردد، این کلمه به معنی خلقت آفرینش نیز آمده است».<sup>۳</sup> روشن است که با گذر زمان و تکرار مفهوم خلقت یا آفرینش و جا افتادن آن در ذهن مفسران بعدی، ایشان چاره‌ای جز تبعیت از قول پیشینیان خود نیافته‌اند تا آن‌جا که مفهوم درست و بنیادین واژه، عموماً محل اعتنای ایشان قرار نگرفته است.

افزون بر این طبیعی است که فهم نادرست لغویان و مفسران به تبع در ترجمه‌های قرآنی و سایر آثار متعلق به حوزه مطالعات قرآنی نیز سرایت کند و هر چه زمان بگذرد دوران این گردونه شتاب بیشتری گیرد. از سوی دیگر فهم مذکور از معنای واژه، مفسران را با یک مسأله دشوار کلامی مواجه کرده است که چرا قرآن می‌گوید «بسیاری از جنیان و

۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۹۰؛ طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا، ج ۵، ص ۳۶؛ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص ۷۷۲؛ ابن عاشور، محمداطاهر، التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسه تاریخ العربی، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۳۵۸؛ طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۳۳۴.

۲. رشید رضا، محمد رشید بن علی رضا، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، قاهره، هیئة المصریة العامة للکتاب، ۱۹۹۰م، ج ۹، ص ۳۵۰.

۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ش، ج ۷، ص ۱۹.

انسان‌ها برای دوزخ آفریده شده‌اند؟ این معنا، مفسران را ناگزیر کرده است تا ذیل آیه مذکور سطور متعددی را به ارائه ادله برای صحت چنین معنایی اختصاص دهند. اینک به صورت مختصر به این ادله که بیشتر از جنس کلامی هستند اشاره می‌شود:

شیخ طوسی حرف لام در «لجهنم» را لام عاقبت می‌داند، به این معنا که اهل شقاوت به سبب کاربست نادرست اختیار خود و نیز کردار ناشایست به چنین عاقبتی گرفتار آمده‌اند بنابراین می‌توان گفت که ایشان برای جهنم آفریده شده‌اند.<sup>۱</sup>

با این حال ابن عاشور لام را لام عاقبت نمی‌داند بلکه آن را دال بر معنای تعلیل دانسته است. هم‌چنین از نظر وی در این آیه، مجاز به علاقه مسببیه به کار رفته است و واژه جهنم بر معنای اصلی خود دلالت ندارد. به بیانی دیگر در آیه ۱۷۹ اعراف مسبب یعنی جهنم ذکر شده است اما سبب یعنی اعمالی که باعث دخول در جهنم می‌شود، قصد شده است زیرا آفرینش کثیری از مخلوقات بخاطر آبادانی جهنم معنا ندارد.<sup>۲</sup>

از نظر مجمع‌البیان نیز آیه ۱۷۹ اعراف خبر از علم الهی درباره اهل شقاوت می‌دهد که بنا بر آن، چنین افرادی ایمان نخواهند آورد و عاقبت ایشان به دوزخ ختم خواهد شد.<sup>۳</sup> *المیزان* با ذکر مثال نجاری که هدف اصلی وی ایجاد یک درب است اما به تبع آن مقداری از چوب‌ها نیز ضایع می‌شود و یا مثال کشاورزی که هدف اصلی او برداشت گندم است اما به ناچار پاره‌ای از بذرها نیز خراب می‌شود، معتقد است که در آیه ۱۷۹ اعراف نیز از غایت تبعی و ناگزیر خلقت سخن گفته می‌شود و در آیاتی مانند: *إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَ لَذَلِكَ خَلَقَهُمْ* (هود/۱۱۹) به غایت اصلی خلقت اشاره می‌شود.

افزون بر این لازم است اشاره شود که برخی مفسران مانند فخررازی از آیه ۱۷۹ سوره اعراف مفهوم جبر را برداشت کرده‌اند. وی اشاره می‌کند که: «أنه تعالى بين باللفظ الصريح أنه خلق كثيراً من الجن و الإنس لجهنم، ... أنه تعالى لما أخبر عنهم بأنهم من أهل النار، فلو لم يكونوا من أهل النار انقلب علم الله جهلاً و خبره الصدق كذباً و كل ذلك محال

۱. طوسی، *التبيان في تفسير القرآن*، ج ۵، ص ۳۶؛ نیشابوری، محمود بن ابو الحسن، *إيجازالبیان عن معانی*

*القرآن*، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۴۹.

۲. ابن عاشور، *التحریر و التنویر*، ج ۸، ص ۳۵.

۳. طبرسی، *مجمع البیان في تفسير القرآن*، ج ۴، ص ۷۷۲.

و المفضی إلى المحال محال، فعدم دخولهم فی النار محال، و من علم كون الشيء محالاً امتنع أن يريده، فثبت أنه تعالى يمتنع أن يريد أن لا يدخلهم فی النار، بل يجب أن يريد أن يدخلهم فی النار، و ذلك هو الذي دل عليه لفظ الآية<sup>۱</sup>.

بنا به قول فخررازی خداوند در آیه فوق تصریح می‌کند که بسیاری از جنیان و انسان‌ها برای دوزخ آفریده شده‌اند. بنابراین اگر ایشان جهنمی نشوند علم الهی به نادانی بدل می‌شود و گزارش راست خداوند دروغ می‌گردد و چون این امور ناشدنی هستند ملزومات آنها نیز محال خواهد بود و به تبع بسیاری از جنیان و انسان‌ها باید به ناچار داخل در جهنم شوند. نقد کلی به این گونه تفاسیر آن است که با پیش فرض‌های کلامی به تفسیر آیات می‌پردازند و در نتیجه پاره‌ای توجیهاات تکلف آمیزی لغوی و کلامی به دست می‌دهند. برای مثال وقتی ابن عاشور از مجاز به کار رفته در آیه یاد می‌کند سخن خود را بر ادله کلامی مبتنی می‌سازد و یا تفسیر المیزان با تکیه بر رویکرد کلامی خود، آیه ۱۷۹ اعراف را حاکی از غایت تبعی خلقت و آیه ۱۱۹ هود را دال بر غایت اصلی خلقت دانسته است. از سوی دیگر، مؤلف المیزان قید «کثیراً» را در آیه کاملاً نادیده گرفته است چرا که با تکیه بر همان مثال نجار یا کشاورز، اگر غایت فرعی یا تبعی آفرینش، دوزخ باشد معنا ندارد که بسیاری از جنیان و انسان‌ها برای جهنم و شمار اندکی از ایشان برای رحمت و سعادت آفریده شوند بلکه در آن صورت، عکس این معنا صحیح خواهد بود.

در باب تفسیر ارائه شده از سوی فخر رازی نیز ناگفته پیداست که چنین تفسیری از آیه، مشکلات کلامی فراوانی پیش روی ما می‌نهد. چنانچه این معنا از آیه با مفهوم آیات زیر در تعارض کامل قرار می‌گیرد: إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئاً وَ لَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ (یونس/۴۴)، إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا (انسان/۳)، فَطَرَتِ اللَّهُ آتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا (روم/۳۰)، إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَ لِذَلِكَ خَلَقَهُمْ (هود/۱۱۹)، وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات/۵۶).

ترجمه‌های فارسی قرآن نیز از هزار سال پیش تاکنون، برای انتقال معنای آیات به قرآن‌خوان فارسی زبان کوشش بسیار کرده‌اند. در جدول زیر، معادل‌های پیشنهادی

۱. فخررازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، ص ۴۰۸؛ زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۷۹.

ترجمه‌های کهن و معاصر را فراهم آورده‌ایم و از ذکر کامل ترجمه اجتناب کرده‌ایم تا کار مقایسه و ارزیابی را آسان کنیم (نشانی کامل کتاب‌هایی را که در جدول ذکر شده‌اند در کتاب‌شناسی پایان مقاله می‌توان بازیافت).

(اعراف / ۱۷۹)

معادل فارسی	خلق کردن، آفریدن	رها ساختن	نامزد کردن	گسترش دادن
نام ترجمه	آیتی، اسفراینی، الهی قمشه‌ای، ابوالفتوح‌رازی، انصاریان، خرمشاهی، دهلوی، رهنما، سوراآبادی، طبری، فولادوند، مکارم شیرازی، میبدی، نسفی	کاویان‌پور، نوبری	ارفع	روشن

بررسی ترجمه‌های قرآن به زبان‌های اروپایی، نیز خالی از فایده نیست و دست‌کم برای ما روشن خواهد کرد که ایشان در فهم مفهوم واژه مانند مترجمان مسلمان به اختلاف نظر گرفتار آمده‌اند.

مترجم نام‌آور رژیس بلاشر برابر واژه قرآنی «ذَرَأَ»، معادل فرانسوی «destiné» را نهاده است که به معنای مقدر کردن است؛ شورکی معادل فرانسوی «faisons» به معنای پدید آوردن یا ایجاد کردن را پذیرفته است. رودی پارت، مترجم آلمانی، واژه را به «geschaffen» به معنای آفریدن ترجمه کرده است. ریچارد بل و آربری نیز معادل هم‌معنای «created» را برگزیده‌اند.

### ۳. «ذَرَأَ» در فرهنگنامه‌های عربی

واژه «ذَرَأَ» از ریشه «ذ-ر-ء» ساخته شده است که در بخش زیر، مفاهیم آن با تکیه بر فرهنگنامه‌های کهن عربی فهرست می‌شود. لازم است اشاره شود که فرهنگنامه‌های عرب، مفاهیم متعددی برای ریشه «ذ-ر-ء» ذکر کرده‌اند. از آن‌جا که برخی از این مفاهیم با پژوهش حاضر و کاربردهای قرآنی واژه ربط وثیقی ندارد و تنها به تطویل بیهوده کلام می‌انجامد از پرداختن به آن‌ها اجتناب می‌شود:

(۱) آفریدن، خلق کردن. مانند «ذَرَأَ الْخَلْقَ: خَلَقَهُمْ»<sup>۱</sup>.

(۲) پراکندن، افشاندن، پاشیدن، گستراندن. فرهنگنامه‌های عربی برای این دسته از مفاهیم، شواهد مختلفی ذکر کرده‌اند که در بخش زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

۲. ۱. عبارت «ذَرَأْنَا الْأَرْضَ: بَدَرْنَاها» بذر را روی زمین پراکندیم/پاشیدیم.<sup>۲</sup>  
در ارتباط با همین معنا، در بیت زیر از عبیدالله بن عبدالله بن عتبّه بن مسعود، واژه «ذَرَأَ» در مفهوم استعاری به کار رفته است:

شَقَّقْتَ الْقَلْبَ ثَمَّ ذَرَأْتَ فِيهِ هَوَاكَ، فَلَيْمَ، فَالْتَأَمَ الْفُطُورُ

قلب را شکافتی و در میان آن بذر محبت خود را افشاندی، پس [به سبب عشق تو] شکاف پر شد و زخم التیام یافت.<sup>۳</sup> با این حال، جوهری (همانجا) پس از اشاره به بیت فوق می‌گوید: درست آن است که واژه به صورت «ذَرَبْتَ» و بدون همزه خوانده شود.  
۲. ۲. عبارت «ذَرَأْتُ الْوَضِيْنَ إِذَا بَسَطْتَهُ عَلَيَّ وَجْهَ الْأَرْضِ» تنگ یا تسمه زمین را بر روی زمین گستراندن.<sup>۴</sup>

در بیت ذیل از مُثَقَّبِ عَبْدِ شَاعِرِ جاهلی این معنا آمده است:

تَقُولُ إِذَا ذَرَأْتُ لَهَا وَضِيْنَ أَهَذَا دِيْنُهُ أَبَدًا وَدِيْنِيْ.

شاعر، زبان حال شتر خود را بیان می‌کند که از کثرت سفر خسته و درمانده شده و

۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۱۹۳؛ ازهری، محمد بن أحمد، تهذیب اللغه، تحقیق محمد عوض مرعب، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۲۰۰۱م، ج ۱۵، ص ۵؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۷۹؛ جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح، بیروت، دارالعلم الملايين، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۱؛ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق- بیروت، دارالعلم-الدارالشامیة، ۱۴۱۲ق، ص ۳۲۷.

۲. فراهیدی، کتاب العین، ج ۸، ص ۱۹۳؛ ازهری، تهذیب اللغه، ج ۱۵، صص ۷-۶؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۸۰؛ جوهری، صحاح، ج ۱، ص ۵۱؛

Omar, Abdul Mannān, The Dictionary of the Holy Qur'ān (Arabic Words – English Meanings, with Notes), Hockessin (Delaware, USA): Noor Foundation-International Inc, 2005, p.187.

۳. فراهیدی، کتاب العین، ج ۸، ص ۱۹۳؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۸۰؛ جوهری، صحاح، ج ۱، ص ۵۱.

۴. فراهیدی، کتاب العین، ج ۸، ص ۱۹۳؛ ازهری، تهذیب اللغه، ج ۱۵، ص ۶؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱،

ص ۸۱.

۵. دیوان مثقّب عبدی، تحقیق حسن کامل الصیرفی، مصر، معهد المخطوطات العربیة، ۱۹۷۱م، ص ۱۹۵.



زبان به شکایت گشوده است. در بیت فوق عبارت «ذَرَأَتْ لَهَا وَصِينِي» به گستراندن تسمه، روی زمین، پیش از محکم کردن پالان شتر اشاره دارد. لغویان عرب در این مورد گفته‌اند که «ذَرَأَتْ» صورت تصحیف شده «ذَرَأْتُ» است.<sup>۱</sup> با این حال به نظر می‌رسد که این امر از قریب‌المخرج بودن حروف ذال/زین و دال/دالت در زبان‌های سامی نشأت می‌گیرد.<sup>۲</sup> افزون بر این گویا لغویان عرب با نظر به همین مفهوم، واژه «يَذْرُؤُكُمْ» در آیه ۱۱ سوره شوری را به گسترش و تکثیر معنا کرده‌اند. بنابر یک قول، معنای واژه «ذُرِّيَّةٌ» نیز از همین مفهوم برخاسته است و اصل آن «ذُرِّيَّةٌ» بوده که همزه در آن تخفیف شده است.<sup>۳</sup>

گفتنی است که التحقیق نیز معنای بنیادین ریشه «ذ-ر-ء» را گسترش و پراکندن پس از مرحله آفرینش و ایجاد می‌داند.<sup>۴</sup>

دانستیم که حرف سوم ریشه، همزه است و این حرف صورتی ناپایدار دارد. بنابه قول ابن‌یعیش از آن‌جا که مخرج همزه، انتهای حلق است، تلفظ آن برای عرب سخت دشوار می‌نماید. بنابراین، تخفیف همزه در لهجه قریش و عموم مردم حجاز، مجاز دانسته شده است. این تخفیف با حذف یا ابدال همزه به حروف الف، واو و یاء صورت می‌گیرد. همین وضعیت ناپایدار، سبب شده است که ابوالعباس مُبَرِّد همزه را از حروف الفبا به شمار نیآورد.<sup>۵</sup> خاستگاه صورت‌های متفاوت قرائت در برخی واژگان قرآنی مانند «هزوا» و «هزوا» یا «كفؤا» و «كفؤا» همین امر است.<sup>۶</sup>

ابن منظور نیز ذیل ریشه «ذ-ر-ء» پس از اشاره به سخن عمر بن خطاب «و اِنِّي لِأُظَنُّكُمْ آلَ الْمُغْبِرَةِ ذُرَّ النَّارِ» می‌گوید که واژه «ذَرَّ» به صورت «ذَرَوَ» نیز روایت شده است. بنابر صورت «ذَرَّ النَّارِ»، آل مغیره برای آتش آفریده شده‌اند و مطابق صورت «ذَرَوَ»

۱. ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۵، ص ۶؛ ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۸۱.

۲. نک. ادامه مقاله.

۳. همان، ص ۶؛ همان، صص ۸۰-۷۹.

Lane, E.W, *Arabic- English Lexicon*, London: Willams & Norgate, 1863, p.953.

۴. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش، ج ۳، ص ۳۰۳.

۵. ابن‌یعیش، ابوالبقاء، شرح المفصل، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا، ج ۵، ص ۲۶۵.

۶. زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۱۴۸؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۶۷.

النار»، آل مغیره در آتش پراکنده و متفرق می‌شوند همان‌گونه که خاک توسط باد پراکنده می‌شود.<sup>۱</sup> با این حال برخلاف رأی ابن منظور، دو واژه «ذَرَأَ» و «ذَرَوُ» هم‌معنا به نظر می‌رسند و آن‌چنان که زمخشری گفته است این دو واژه، خواهر و دارای معنی مشترک پراکندن و تکثیر هستند.<sup>۲</sup>

این قول را می‌توان با همزادهای «ذَرَأَ» در دیگر زبان‌های سامی نیز تأیید کرد. برای نمونه این واژه در زبان عبری به صورت «זָרַע» آمده است.<sup>۳</sup> می‌دانیم که همزه و واو هر دو می‌توانند معادل صامت عبری «ה» (هه) قرار گیرند.

برای نمونه می‌توان به افعال عبری زیر و همزادهای آن‌ها در زبان عربی اشاره کرد:

۱. زَرَعًا : نَبَأٌ، ۲. زَرَعًا : دَاءٌ، ۳. زَرَعًا : سَهًا، ۴. زَرَعًا : سَنَا.<sup>۴</sup>

بنابراین روشن است که واژگان «ذَرَأَ» و «ذَرَأَ» هر دو می‌توانند معادل واژه عبری «זָרַע» قرار گیرند.<sup>۵</sup>

هم‌چنین مراجعه به فرهنگنامه‌های کهن عربی نشان می‌دهد که واژه «ذَرَأَ» چنان‌که اشاره شد، با واژه «ذَرَأَ» معنای مشترک دارد.

مفهوم بنیادین مذکور برای ریشه «ذ-ر-و» در فرهنگنامه‌ها عبارت است از: پراکندن، افشاندن، باد دادن یا باد افشان کردن.<sup>۶</sup>

برای نمونه می‌توان به شواهد زیر برای این مفهوم اشاره کرد:

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۸۰.

۲. زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۸۰.

۳. نک. ادامه مقاله.

4. Gesenius, H. W. F., Gesenius' Hebrew and Chaldee Lexicon to the Old Testament Scriptures: Numerically Coded to Strong's Exhaustive Concordance, with an English Index of More Than 12,000 Entries, Samuel Prideaux Tregelles(tr.), Baker Book House, 1979, pp.192, 526, 817, 840.

۵. فرج، مراد، ملتقى اللغتين العبرية و العربية، اسكندرية، مطبعة السفیر، ۱۹۳۶م، ج ۱، صص ۴۷-۴۶.

۶. فراهیدی، کتاب العین، ج ۸، ص ۱۹۳؛ ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۵، ص ۷؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴،

ص ۲۸۲؛ ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۳۵۲؛

جوهری، صحاح، ج ۶، ص ۲۳۴۵؛ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۳۲۷؛

Omar, Abdul Mannān, The Dictionary of the Holy Qur'ān (Arabic Words – English Meanings, with Notes), p.188.

۱. عبارت «ذَرَّتِ الرِّيحُ التُّرَابَ» یعنی باد، خاک را پراکند.

۲. بیت زیر از شاعر مخضرم، عمرو بن أحمر باهلی:

لَهَا مُنْخَلٌ تُذْرِي، إِذَا عَصَفَتْ بِهِ أَهَابِي سَفْسَافٍ مِنَ التُّرْبِ تَوَامٍ<sup>۱</sup>

شاعر بادی را توصیف می‌کند که گویا، الکی در دست گرفته و هنگام تند وزیدن و

طوفانی شدن، گرد و خاک می‌افکند.

۳. ابیات زیر از شاعر جاهلی، عبید بن ابرص:

لَمَنِ الدَّارُ أَقْفَرَتْ بِالْجَنَابِ غَيْرَ نُوِيٍّ وَدِمْنَةَ كَالْكِتَابِ

غَيْرَتَهَا الصَّبَا وَنَفْحُ جَنُوبٍ وَشَمَالٍ تَذَرُو دُقَاقَ التُّرَابِ<sup>۲</sup>

شاعر از خالی شدن منزلگاه قبیله خویش و محو شدن آثار آن سخن می‌گوید. وی

اشاره می‌کند که این منزلگاه با خاک یکسان شده است و بادهایی که بر آن می‌وزد، گرد و

خاک به هوا می‌پراکند.

۴. واژگان «المذْرَأَةُ» یا «المذْرَى» به چنگال بوجاری یا ابزار بادافشان کردن خرمن

گندم دلالت دارد.<sup>۳</sup>

#### ۴. «ذَرَأَ» در زبان‌های سامی

در این بخش با تکیه بر فرهنگنامه‌های سامی و متون مقدس یهودی-مسیحی درباب مفاهیم

واژه و صورت‌های مختلف آن در زبان‌های سامی سخن می‌گوییم. براین اساس زیربخش

اول به فرهنگنامه‌های سامی اختصاص یافته است و زیربخش دوم به کاربردهای واژه در

متون مقدس یهودی-مسیحی، به زبان‌های عبری، آرامی و سریانی، اشاره دارد.

#### ۴.۱. فرهنگنامه‌های سامی

واژه «ذَرَأَ» در زبان‌های سامی به صورت‌های زیر آمده است:

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۲۸۳.

۲. دیوان عبید بن ابرص، شرح اشرف احمد عدره، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۴ق، صص ۳۶-۳۵.

۳. فراهیدی، کتاب العین، ج ۸، ص ۱۹۳؛ ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۵، ص ۷؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴،

ص ۲۸۲؛ جوهری، صحاح، ج ۶، ص ۲۳۴۵.

الف) عبری: به صورت «זָרָח» (zārāh)

ب) سریانی: به صورت «ܕܪܐ» (drā)

ج) آرامی: به صورت «ܕܪܐ» (drā).<sup>۱</sup>

جاسترو، صورت «ܕܪܐ» (drê) را نیز برای واژه آرامی ذکر کرده است.<sup>۲</sup>

افزون بر این، گزینیوس «ذری» را همزاد عربی واژه عبری «זָרָח» دانسته است.<sup>۳</sup>

صورت‌های پیش‌گفته نشان می‌دهد که حرف سوم واژه نه تنها در زبان عربی بلکه در زبان‌های سامی نیز وضعیتی ناپایدار دارد و میان حروف همزه، واو، یاء، آلف، هه و یود متغیر است. هم‌چنین دیدیم که واژگان سریانی «ܕܪܐ» و آرامی «ܕܪܐ» معادل واژه عربی «ذَرَأَ» قرار گرفته‌اند. اینک می‌توانیم بیفزاییم که معادل عربی صامت دالت (ا و ٲ) در دو زبان پیش‌گفته، حروف دال و ذال هستند.

برای نمونه واژه عربی «بَدَرَ» در سریانی به صورت «ܕܒܪܐ» (badar) و در آرامی به صورت «ܕܒܪܐ» (bdar) به‌کار رفته است. هم‌چنین واژه عربی «ذُبَاب» در سریانی به صورت «ܕܒܒܐ» (dabbābā) و در آرامی به صورت «ܕܒܒܐ» (dybābā) آمده است.<sup>۴</sup>

صرف‌نظر از صورت‌های متفاوت واژه «ذَرَأَ»، مفاهیم آن در زبان‌های سامی بسیار نزدیک است. این مفاهیم به‌قرار زیر است:

- (خرمن) باد دادن، باد افشان کردن، تکاندن.

1. Payne Smith, Robert, *A Compendious Syriac Dictionary*, Oxford: Clarendon, 1903, p.97; Brockelmann, Carl, *Lexicon Syriacum*, Halle: Niemeyer, 1928, p.165; Gesenius, *Hebrew and Chaldee Lexicon to the Old Testament Scriptures: Numerically Coded to Strong's Exhaustive Concordance*, p.253; Zammit, Martin R, *A comparative lexical study of Qur'ānic Arabic*, Leiden: Brill, 2002, p.183.

مشکور، محمدجواد، فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۷ش، ج ۱، ص ۲۶۵.

2. Jastrow, Marcus, *A Dictionary of the Targumim, the Talmud Babli and Yerushalmi, and the Midrashic Literature*, Germany: Leipzig: printed by W. Drugulin, 1903, pp.320, 322.

3. Gesenius, *Hebrew and Chaldee Lexicon to the Old Testament Scriptures: Numerically Coded to Strong's Exhaustive Concordance*, p.253, Zammit, comparative lexical study of Qur'ānic Arabic, p.183.

4. Brockelman, *Lexicon syriacum*, p.60, Jastrow, *A Dictionary of the Targumim, the Talmud Babli and Yerushalmi, and the Midrashic Literature*, p.141, 294, Payne Smith, *A Compendious Syriac Dictionary*, Oxford, p.81.

- خرمن کوبی کردن. از همین معنا واژه «בֵּי דָרְיָ» (bê dārê) یعنی زمین خرمن-کوبی یا انبار غله.
- الک کردن، غربال کردن.
- (به طور کامل) بررسی کردن، سنجیدن، تفتیش کردن.<sup>۱</sup>

#### ۲.۴. متون مقدس یهودی-مسیحی

اینک با مرور کاربردهای مختلف واژه «ذراً» در متون مقدس یهودی-مسیحی، به زبان‌های عبری، سریانی و آرامی، مفاهیم آن به صورتی دقیق‌تر تبیین می‌شود.

در سفر خروج (۳۲:۲۰) عبارت زیر آمده است:

וַיִּקַּח אֶת-הַעֲגֹל אֲשֶׁר עָשׂוּ וַיִּשְׂרֹף בָּאֵשׁ וַיִּטְחֵן עַד אֲשֶׁר-דָּק וַיִּזֶר עַל-פְּנֵי הַמַּיִם וַיִּשֶׁק אֶת-בְּנֵי יִשְׂרָאֵל:

۲۰ (موسی) گوساله‌ای را که ایشان ساخته بودند گرفته، در آتش سوزانید و آن را خرد کرده به صورت گرد درآورد و بر آب پاشید و به بنی اسرائیل نوشانید.<sup>۲</sup>

در این‌جا، واژه «זִזַר» (yizer) در کنار واژه «דָּק» (dāq) به معنای گرد یا پودر نشسته و در مفهوم حقیقی خود استفاده شده است. در ترگوم انکلوس واژه آرامی «זִזַר» (از ریشه 7-6) معادل فعل عبری «זִזַר» (از ریشه 2-6-7) در آیه فوق نهاده شده است. با این‌حال در برخی دیگر از ویراست‌های ترگوم انکلوس فعل آرامی پیش‌گفته به صورت «זִזַר» (از ریشه 2-6-7) آمده است.

در انجیل لوقا (۲۰:۱۸) نیز واژه در همین معنا به کار رفته است:

הַגִּלְגַּל חֲלַס מֶ, חֲסַבְסָא. הַגִּלְגַּל חֲלַס מֶ, חֲסַבְסָא. הַגִּלְגַּל חֲלַס מֶ, חֲסַבְסָא:

۱۸ هر که بر آن سنگ افتد، خرد خواهد شد، و هرگاه آن سنگ بر کسی افتد، او را در هم خواهد شکست.

1. And the Midrashic Literature, Payne Smith, A Compendious Syriac Dictionary, Oxford, p.97, Jastrow, Marcus, A Dictionary of the Targumim, the Talmud Babli and Yerushalmi, pp.320, 323-322, Brockelman, Lexicon syriacum, p.57; William, Jennings, Lexicon to the Syriac New Testament, Oxford, Clarendon Press, 1926, p.57; Wilson, William, The Bible Student's Guide, United States, Macmillan, 1870, p.373.

۲. در مقاله حاضر ترجمه تمام آیات کتاب مقدس براساس ترجمه هزاره نواست.

فعل  $\text{דָּרְעָה}$  (tedreywhy) در آیه فوق که بیانی تمثیلی دارد (نک. آیه ۱۹)، از ریشه « $\text{ד-ר-ע}$ » ساخته شده است و به معنای پودر کردن یا مانند گرد از هم پاشاندن، است (قس: انجیل متی، ۲۱:۴۴).

در پیشینا، ترجمه سریانی کتاب مقدس، عبارت زیر آمده است:

$\text{ܕܪܥܝܢܐ ܕܢܝܢܐ ܕܡܘܨܝܐ ܕܡܘܨܝܐ ܕܡܘܨܝܐ ܕܡܘܨܝܐ ܕܡܘܨܝܐ}$   
 $\text{ܕܡܘܨܝܐ ܕܡܘܨܝܐ ܕܡܘܨܝܐ ܕܡܘܨܝܐ ܕܡܘܨܝܐ ܕܡܘܨܝܐ}$

۸ آنگاه خداوند به موسی و هارون گفت: «از کوره‌ای چند مشت دوده بگیرید و موسی آن‌ها را در حضور فرعون به هوا بپاشد» (سفر خروج، ۹:۸).

عبارت سریانی « $\text{ܕܪܥܝܢܐ}$ » (wdreyhy) در برابر عبارت عبری « $\text{דָּרְעָה}$ » (ūzərāqōw)، مرکب از حرف عطف، فعل و ضمیر متصل، در سفر خروج نهاده شده است. فعل سریانی مذکور در آیه فوق، از ریشه « $\text{ד-ר-ע}$ » به معنای پاشیدن یا پراکندن ساخته شده است و با معادل عبری آن که از ریشه « $\text{ד-ר-ע}$ » گرفته شده، هم‌معنا است. افزون بر این، مفهوم فوق یعنی پاشاندن گرد یا پراکندن پودر، به صورت استعاری و برای اشاره به متفرق و پراکنده کردن انسان‌ها نیز به کار رفته است. برای مثال در ارمیا (۱۵:۷) آیه زیر آمده است:

$\text{וְאֶזְרֶם בְּמִזְרָה בְּשַׁעֲרֵי הָאָרֶץ שְׂפֹלְתֵי אֲבֹדְתֵי אֶת-עַמִּי מִדְּרָכֵיהֶם לְאֶ-שָׁבוּ}$   
 ۷ آنان را نزد دروازه‌های این دیار به باد خواهیم افشاند؛ قوم خود را داغدار ساخته، نابود خواهیم کرد؛ زیرا که از راه‌های خود بازگشت نکردند.

عبارت « $\text{וְאֶזְרֶם בְּמִזְרָה}$ » (wā'ezrēm bəmizreh) در آیه فوق به معنای بادافشان کردن با چنگال بوجاری است. می‌دانیم که آیات فصل ۱۵ ارمیا از نابودی اورشلیم و مجازات بنی‌اسرائیل سخن می‌گوید و حرف « $\text{ז}$ »، در « $\text{אֶזְרֶם}$ » ضمیر سوم شخص جمع است که به بنی‌اسرائیل ارجاع دارد. ضمیر مذکور که در جایگاه مفعول فعل نشسته است نشان می‌دهد که عبارت فوق دلالت بر معنای استعاری متفرق کردن و پراکندن بنی‌اسرائیل دارد.<sup>۱</sup> برای دیگر نمونه‌های کاربرد واژه در این معنای استعاری به ارمیا (۴۹:۳۶)، حزقیال (۳۶:۱۹) و امثال (۱۵:۷) می‌توان اشاره کرد.

1. Gesenius, Hebrew and Chaldee Lexicon to the Old Testament Scriptures: Numerically Coded to Strong's Exhaustive Concordance, p.253.

با این همه یکی از مفاهیم بنیادین واژه در متون مقدس یهودی-مسیحی، پاک کردن یا بادافشان کردن خرمن است که مفهوم استعاری بررسی و سنجش از آن برخاسته است.<sup>۱</sup> به بیان دیگر، بررسی یا واری دقیق یک چیز برای جدا کردن سره از ناسره، به باد افشان کردن خرمن می ماند که با هدف تمییز گاه از گندم انجام می گیرد. از این رو، هرگاه واژه «ذراً» در کنار واژه خرمن بنشیند بر مفهوم حقیقی خود یعنی غربال کردن یا جدا کردن گاه از گندم دلالت دارد و هرگاه در مفهوم استعاری خود به کار رود، معنای آن بررسی کردن یا سنجیدن است.

در کتاب روت (۳:۲)، واژه در مفهوم حقیقی پاک کردن یا غربال کردن به کار رفته است: **וַעֲתָה הָלֵא בַעַז מִדַּעַתְנִי אֲשֶׁר הָיִית אֶת-נַעְרוֹתַי הַנְּהִי-הוּא זָרָה אֶת-גֶּרְן הַשְּׁעָרִים הַלְּיָהּ:** آیا بوعز که تو با کنیزانش بودی، خویش ما نیست؟ اینک او امشب در خرمنگاه، به پاک کردن جو مشغول خواهد بود.

همنشینی واژه «זרה» (zōreh) با واژه «השערים» (haśśō'ōrīm) به معنای جو، نشان می دهد که واژه در مفهوم حقیقی خود به کار رفته است.

در ارمیا (۴:۱۱) نیز واژه در همین معنا آمده است:

**בָּעֵת הַהִיא יֵאָמֵר לְעַם-הַזֶּה וְלִירוּשָׁלַם רוּחַ צַח שְׁפִיִים בְּמִדְבָר דָּרָה בַת-עַמִּי לוֹא לְזָרוֹת וְלוֹא לְהַבְר:**

۱۱ در آن هنگام به این قوم و به اورشلیم گفته خواهد شد: «بادی سوزان از بلندی های خشک بیابان به سوی قوم عزیز من می وزد، اما نه به جهت افشاندن و پاک کردن خرمن!»

در آیه فوق، واژه به صورت مصدری «لְזָרוֹת» (lizrōwt) در کنار واژه **רוּחַ** (rūah) به معنای باد نشسته است که مفهوم حقیقی آن را تبیین می کند. افزون بر این، همنشینی با ساخت مصدری «لְהַבְר» (lähābar) به معنای غربال کردن یا الک کردن، در تبیین و تأکید بر مؤلفه معنایی پاکسازی و پالایش بسیار سودمند است.

در مزامیر (۱۳۹:۳)، واژه در مفهوم استعاری سنجیدن یا جدا کردن سره از ناسره آمده است:

۱. نک. گزینیوس، همانجا.

### אַרְחִי וְרַבְעֵי זָרִית וְכָל-דָּרְכֵי הַסְּדֵנָה:

۳ تو راه رفتن و آرمیدنم را سنجیده‌ای، و با همه راه‌هایم آشنایی.

تلمود بابلی (ندّه، ۳۱:۱۸): در توضیح آیه فوق آن را به آمیزش جنسی و آفرینش انسان از مایع منی ربط می‌دهد و نخست می‌گوید: «این آیه می‌آموزد که آدمی از تمام مایع منی آفریده نمی‌شود بلکه از بخش شفاف و مواد مغذی آن پدید می‌آید». سپس برای توضیح بیشتر می‌افزاید: «واژه זָרִית (zêrîṭā) می‌تواند به معنای غربال کردن باشد... گویا آیه اشاره دارد که خداوند بخشی از مایع منی را، که آدمی از آن زاییده می‌شود، از بقیه آن جدا می‌کند... این موضوع با این مثل قابل قیاس است که فردی در انبار غله، دانه‌ها را الک و غربال می‌کند؛ مواد غذایی را برمی‌گیرد و مواد زائد را رها می‌کند».

ملاحظه می‌شود که تلمود در تبیین معنای واژه مورد بحث، مفهومی کاملاً استعاری از آن به دست می‌دهد و با بهره گرفتن از مثال ملموس انبار غله، مسأله چگونگی آفرینش انسان را روشن می‌کند.

نمونه جالب دیگر برای کاربرد واژه در مفهوم استعاری پیش گفته آیه زیر از کتاب امثال (۲۰:۲۶) است: מְזַרְהָהּ רִשְׁעִים מְלֶךְ הַכֹּהֵן וַיִּשֶׁב עֲלֵיהֶם אוֹפֶן:

۲۶ پادشاه حکیم، شریبان را چون کاه غربال می‌کند؛ او چرخ خرمن‌کوب را بر آنان می‌راند.

روشن است که این‌جا واژه מְזַרְהָהּ (məzāreh) در معنای استعاری خود به کار رفته است.

بنا به آیه فوق، مردم مانند خرمن هستند و پادشاه برای غربال و جداسازی شریبان که همانا کاه این خرمن هستند، باید خرمن‌کوبی کند.<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد برخی ترجمه‌های انگلیسی، عربی و فارسی عهد عتیق در انتخاب معادل‌های «to sift» (غربال کردن)، «to separate» (جدا کردن، تمییزدادن)، «تبدید» (جدا کردن)، «تشخیص دادن» و مانند آن، نظر به همین معنا داشته‌اند.<sup>۲</sup>

۱. فس: William, *The Bible Student's Guide*, p.273.

۲. برای نمونه نک. ترجمه‌های Holman Christian Standard International Standard Version Bible، الترجمة الكاثوليكية (اليسوعیة) و مژده برای عصر جدید.



در عبارت زیر از پشتینا (مزامیر، ۱:۴) نیز آدمیان به مثابه خرمن فهمیده می‌شوند:

לֵךְ מִכַּח אֲתַעֲכַר. כִּלְכֵּל כָּבֵב חֲסִים כִּי־נִסְוִי:

۴ لیکن چنین نیستند شریران بلکه همچو کاهند که دست باد می‌رانندشان.

در آیه بالا، بدکاران و شروران به گاه تشبیه شده‌اند، بنابراین گرچه فعل *כִּי־נִסְוִי* (drā) با واژه *כִּי־נִסְוִי* (rūhā) به معنای باد، هم‌نشین شده است اما بی‌تردید در معنای استعاری جداکردن شروران از پارسایان به کاررفته است (نک. مزامیر: ۱).

## ۵. کاربردهای قرآنی

بر اساس آنچه گذشت دانستیم که واژه «ذَرَأَ» در مجموعه زبان‌های سامی، دو مفهوم حقیقی و دو مفهوم استعاری دارد. این مفاهیم، سخت نزدیک و مرتبط با هم هستند اما به صورت دقیق‌تر نیز می‌توان میان آن‌ها تفکیک کرد:

الف- پراکندن و پاشیدن (مثلاً گرد و غبار یا بذر را)؛ مفهوم استعاری برخاسته از این معنا عبارت است از متفرق کردن، گستراندن یا پراکندن انسان‌ها.

ب- غربال کردن یا بادافشان کردن خرمن برای جداکردن کاه از گندم؛ مفهوم استعاری برخاسته از این معنا عبارت است از بررسی و سنجش برای جدا کردن سره از ناسره. در آیات قرآن نیز این معانی را می‌توان ملاحظه کرد. در آیه نخست سوره ذاریات، عبارت (وَالذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا) آنچنان که عموم مفسران گفته‌اند، اشاره به بادهایی (=الرياح) است که می‌پراکنند یا می‌افشانند.<sup>۱</sup>

این معنا در آیه ۴۵ سوره کهف به صورت روشن‌تر بیان شده است: وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ. در آیه فوق «تَذْرُوهُ» با «الرِّيَّاحُ» هم‌نشین شده است، بنابراین واژه دال بر معنای حقیقی خود است.

با این‌همه، «ذَرَأَ» در دیگر کاربردهای قرآنی خود، در دو معنای استعاری پیش‌گفته به

۱ برای نمونه نک. طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۳۷۸؛ زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۴، ص ۳۹۴؛ فخررازی، مفاتیح الغیب، ج ۲۸، ص ۱۵۹؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۳۶۴.

کار رفته است:

الف- در آیه ۷۹ سوره مؤمنون، واژه با معنای پراکندن یا گستراندن انسان‌ها در زمین آمده است: وَ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ.

چنان‌که ملاحظه می‌شود در این آیه، واژه «ذَرَأَ» در تقابل با واژه «حَشَرَ» به کار رفته است که در لغت به معنای جمع کردن و گرد آوردن است.<sup>۱</sup> به بیانی دیگر، خداوند ابتدا انسان‌ها را در روی زمین می‌پراکند و سپس آن‌ها را نزد خود گرد می‌آورد.

این دو مرحله در آیات قرآن نیز به تفکیک اشاره شده است:

مرحله نخست، پراکندن انسان‌ها: وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ (روم/۲۰).

مرحله دوم، گرد آوردن انسان‌ها: فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَ وُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ (آل عمران/۲۵).

ب- در آیه ۱۷۹ سوره اعراف، واژه «ذَرَأَ» در معنای استعاری غربال کردن یا جدا کردن سره از ناسره به کار رفته است: وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ.

آیه در سیاق سخن از دوزخیان و انذار نسبت به سرنوشت ایشان است. بر این اساس هشدار داده می‌شود که عموم انسان‌ها و جنیان مورد غربال و سنجش قرار می‌گیرند تا سره و ناسره ایشان از هم جدا شود. شیخ طوسی نیز یکی از وجوهی که برای «ذَرَأَ» در آیه فوق ذکر می‌کند، معنای جداکردن و تمییز دوزخیان از بهشتیان است.<sup>۲</sup>

در آیه زیر که بر جدا کردن پلیدان از پاکان تأکید می‌شود، این معنا به بیانی دیگر آمده است: إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ ﴿۳۶﴾ لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ... (انفال/۳۶-۳۷).

۱. فراهیدی، العین، ج ۳، ص ۹۲؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۱۹۰.

۲. طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۸.

## ۶. استعاره مفهومی

پس از آشنایی با مفاهیم حقیقی و استعاری واژه «ذراً» در قرآن، متون مقدس یهودی-مسیحی و ادبیات کهن عرب در این بخش به تبیین زبان استعاری این متون می‌پردازیم. چنان‌که اشاره شده یکی از مفاهیم حقیقی واژه، غریبال کردن یا بادافشان کردن خرمن برای جداکردن گاه از گندم است که مفهوم استعاری برخاسته از آن عبارت است از بررسی و سنجش برای جدا کردن سره از ناسره.

به نظر می‌آید که میان مفاهیم حقیقی و استعاری فوق، پیوند محکمی برقرار است. چنان‌که توضیح داده خواهد شد، این‌جا با یک استعاره مفهومی مواجه‌ایم. در نظریه «استعاره‌های مفهومی» گفته می‌شود که ماهیت نظام مفهومی عادی ما، که اندیشه و عمل‌مان مبتنی بر آن است، اساساً استعاری است و مجموعه‌ای پیچیده از تطابق‌ها را میان حوزه‌های مختلف درگیر می‌کند. استعاره در این نظریه، یک فرآیند فهم میان حوزه مبدأ و حوزه مقصد است. حوزه مبدأ، ملموس است و حوزه مقصد، انتزاعی است.

حوزه‌های مبدأ، شیوه سخن گفتن و فهمیدن حوزه‌های ناملموس را فراهم می‌آورد. یک مثال شناخته شده عبارت از فهم مشاجره به مثابه جنگ است.<sup>۱</sup>

نظر به کاربردهای واژه در قرآن و متون مقدس یهودی-مسیحی، ما با استعاره مفهومی زیر مواجه‌ایم: «آدمیان، خرمن هستند». این یک استعاره هستی‌شناختی است که در آن آدمیان بر حسب خرمن (گندم و مانند آن) فهمیده می‌شوند. ابتدا باید اشاره شود که برای این استعاره مفهومی نمونه‌هایی از قرآن و متون مقدس یهودی-مسیحی می‌توان ارائه کرد. برای نمونه در آیات زیر آدمیان مانند خرمن درو شده دانسته شده‌اند:

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْقُرَى نَقُصُّهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ (هود/۱۰۰).

فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيداً خَامِئِينَ (انبیاء/۱۵).

در این آیات به سرنوشت مردمان فاسد و ستمکار پیشین اشاره می‌شود و هلاکت

۱. لیکاف، جورج و مارک جانسون، استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم، ترجمه جهان‌شاه میزاییگی، آگه، ۱۳۹۷ش، ص ۹؛

Crystal, David, *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*, 6th Edition, Blackwell Publishing, 2008, p.98, Brown, Keith & Jim Miller, *The Cambridge Dictionary of Linguistics*, p.95.

ایشان به مثابه درو شدن گیاه فهمیده می‌شود. در آیه ۱۷ سوره نوح نیز، آدمیان اساساً مانند گیاه دانسته شده‌اند: *وَ اللّٰهُ اَنْبَتَكُمْ مِنَ الْاَرْضِ نَبَاتًا* (نوح/۱۷).  
هم‌چنین در آیه ۵ سوره فیل (*فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ*) سرنوشت پیل‌سوران مانند کاه جویده شده دانسته می‌شود.<sup>۱</sup>

در عهد عتیق نیز این تعبیر استعاری را می‌توان ملاحظه کرد:

۹ زیرا اینک من فرمان خواهم داد، و خاندان اسرائیل را در میان همه قوم‌ها آلك خواهم کرد، چنان‌که غله در غربال آلك شود، و دانه‌ای بر زمین نخواهد افتاد (عاموس، ۹:۹).

در کتاب ارمیا (۲-۱: ۵۱) نیز گفته می‌شود که بابلیان خرمن‌کوب خواهند شد و بادی ویرانگر بابل را نابود خواهد کرد.

در اناجیل متی و لوقا نیز این استعاره مفهومی به روشنی دیده می‌شود:

۱۲ او کج‌بیل خود را در دست دارد و خرمنگاه خود را پاک خواهد کرد و گندم خویش را در انبار ذخیره خواهد نمود، اما کاه را با آتشی خاموشی‌ناپذیر خواهد سوزانید. (متی، ۳:۱۲).

۳۱ «ای شَمْعون، ای شَمْعون، شیطان اجازه خواست شما را هم‌چون گندم غربال کند.

۳۲ اما من برای تو دعا کردم تا ایمانت تلف نشود. پس چون بازگشتی، برادرانت را استوار بدار» (لوقا، ۲۲:۳۱).

در استعاره فوق حوزه مبدأ، خرمن و حوزه مقصد، آدمیان هستند. اگر در این استعاره تأمل کنیم از یک سو در می‌یابیم که خرمن‌گندم در تجربه مخاطب، تصویری عینی و روشن‌تر دارد اما آدمیان، مجموعه‌ای مشتمل بر باورهای پاک و پلید یا اعمال و رفتارهای شایسته و ناشایسته، مفهومی مبهم‌تر، پیچیده و ناملموس دارد. از سوی دیگر تعداد ویژگی‌های مفهوم معرف (خرمن) بیشتر از آن‌هایی است که به مفهوم تعریف شده (آدمیان) منتقل می‌شود. به عبارت دیگر در استعاره «آدمیان، خرمن هستند» تمرکز بر تمام جنبه‌ها و ویژگی‌های خرمن مانند نوع، حجم، وزن و جز آن نیست بلکه سویه مورد تأکید و یا عنصر

۱. طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۴۱۱؛ فخررازی، مفاتیح الغیب، ج ۳۲، ص ۲۹۳؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۸۲۵.

مهمی که از خرمن مورد استفاده قرار می‌گیرد و برجسته می‌شود مشتمل بودن آن بر دو بخش سره و ناسره یا ارزشمند و بی‌ارزش است.<sup>۱</sup>

بنابراین بعضی از آدمیان مانند گندم خرمن، در بخش سره و پاک قرار می‌گیرند و برخی دیگر مانند کاه خرمن در دسته ناسره و پلید جای می‌گیرند.

#### ۷. نتیجه

در پژوهش حاضر با رویکردی تاریخی به ریشه‌شناسی واژه «ذَرَأَ» پرداختیم و با نگاهی تطبیقی در باب کاربری آن در قرآن، متون مقدس یهودی-مسیحی و ادبیات کهن عرب سخن گفتیم.

برخلاف آنچه در نگاه نخست ممکن است به نظر آید شمار واژگانی که صورت یا معنایشان به درستی تبیین نشده است، بیرون از حد تصور ما است و محققانی که در این طریق گام می‌نهد تنها مشروط بر این‌که روشی صحیح در پیش گیرد، قادر خواهد بود تا به تبیین دقیق صورت و معنای واژه نزدیک‌تر شود و سویه‌های معنایی آن را به غایت نیکو برآفتاب کند. به نظر می‌رسد که یک تحلیل ریشه‌شناختی و مطالعه تطبیقی در این باب بسیار سودمند است.

دیدیم که عموم مفسران مسلمان ذیل آیه ۱۷۹ سوره اعراف، مفهوم خلقت را برای واژه «ذَرَأَ» پیشنهاد داده‌اند و حاصل این معنا یعنی عبارت «بسیاری از جنیان و انسان‌ها را برای دوزخ آفریده‌ایم» با مضمون دسته‌ای دیگر از آیات در تعارض قرار می‌گیرد. از این رو مفسران، آیه را به معرکه آراء و اقوال کلامی خود بدل کرده‌اند تا این تعارض فرضی را برطرف سازند. با این‌همه مفسران در مقام متکلمانی ماهر آن‌چنان بر اثبات نظرگاه کلامی خود و تحمیل آن بر آیه ۱۷۹ اعراف متمرکز شده‌اند که مغز و مخ آیه را یکسره فراموش کرده‌اند. به تعبیر دیگر اگر به کاربری واژه و مطالعه تطبیقی آن در متون مقدس یهودی-مسیحی توجه جدی داشته باشیم بدون تردید به معنای پراکندن یا غربال کردن برای واژه و به تبع، مفهوم استعاری آیه دست می‌یابیم و از این رهگذر به فهم مخاطبان نخستین متن

۱. برای عبارت‌بندی تحلیل فوق نک. لیکاف و جانسون، استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم، صص ۹، ۴۷، ۱۰۸، ۱۳۶، ۱۸۰ و جم.

نزدیک‌تر می‌شویم.

بنابر آنچه گذشت، آیه ۱۷۹ سوره اعراف یک گزاره کلامی را صورت‌بندی نمی‌کند بلکه حقیقتی انتزاعی را که عبارت است از جدا کردن انسان‌های سره از ناسره به صورت استعاری بیان می‌کند. مفهوم پیشنهادی این مقاله، نه تنها امکان نزدیک شدن به مفهوم دقیق آیه را فراهم می‌آورد بلکه در رفع تعارض پیش‌گفته و روشن کردن انسجام معنایی میان آیات قرآن با هم و نیز با آیات کتاب مقدس به مثابه یک کل بسیار سودمند است. برای مثال بدون یک نگاه تطبیقی، به سختی می‌توان میان آیه ۱۷۹ سوره اعراف با آیات اناجیل متی (۳:۱۲) و لوقا (۲۲:۳۱-۳۲) انسجام معنایی یافت.

گفتنی است پژوهش حاضر اگر چه به مطالعه موردی واژه «ذَرَأَ» پرداخته است اما نتایج آن جزئی نیست و به تبیین صورت و معنای یک واژه مشخص محدود نمی‌شود. افزون بر این تنها سویه سلبی ندارد تا نافی یا ناقد اقوال گذشتگان باشد. این مقاله از یک سو در حوزه ریشه‌شناسی واژگان در زبان‌های سامی سودمند است و از سوی دیگر، مسأله کلان زبان قرآن و متون مقدس یهودی-مسیحی را تبیین می‌کند.

با ملاحظه دگرگونی‌های صوری واژه در زبان‌های عربی، عبری، آرامی و سریانی می‌توان الگوی حاکم بر این ابدال‌ها یا دگرگونی‌ها و برخی پدیده‌های آواشناختی را توضیح داد. دانستیم که برخی صامت‌ها در زبان‌های پیش‌گفته می‌توانند به جای هم بنشینند و با تغییر یک هم‌خوان در این زبان‌ها نباید تصور کرد که با ریشه-واژه دیگری مواجه هستیم. برای مثال این پژوهش علت ناپایداری حرف همزه را در زبان عربی و ارتباط میان صورت-های «ذَرَأَ» و «ذَرَوُ» را و نیز ابدال هم‌خوان عبری «א» (هه) به صامت‌های همزه و واو را در زبان عربی توضیح می‌دهد.

هم‌چنین با تکیه بر این پژوهش می‌توان نشان داد که این متون برای بیان مقاصد تربیتی و فرهنگی خود، متناسب با مخاطبان نخستین و زبان ویژه ایشان سخن گفته‌اند. این زبان از دریافت‌ها و برداشت‌هایی مایه می‌گیرد که اهل آن زبان از جهانی می‌گیرند که در آن زندگی می‌کنند. بنابراین تفاوت زبان‌های اقوام مختلف صرفاً ناشی از تفاوت در آواهای گفتاری آن‌ها نیست بلکه خاستگاه آن، انگاره‌های فکری، عقاید، باورها، احساسات و فرهنگ ویژه آن قوم است که زبان قوم تجسم آن‌ها است.

به بیانی دیگر، متون مقدس پیش‌گفته در بیان و انتقال کارآمد آن دسته از پیام‌ها و تعالیم خود که به امور انتزاعی متعلق هستند چاره‌ای جز بهره بردن از زبان استعاری ندارند. به صورت خاص، قرآن کریم در موارد متعدد جهت تبیین کارآمد مفاهیم انتزاعی مربوط به حوزه‌های خداشناسی، انسان‌شناسی، رستاخیز و جز آن از امور ملموس مربوط به حوزه‌های کشاورزی، دامداری و مانند آن سود برده است. بی‌تردید این امور، نزد مخاطبان نخستین آیات شناخته شده بوده است و فرهنگ، باورها، اندیشه و دیگر وجوه زندگی ایشان در آن انعکاس یافته است. دیدیم که با نظر به کاربردهای گوناگون واژه در قرآن و متون مقدس یهودی-مسیحی و از رهگذر تبیین زبان استعاری مشترک این متون می‌توان استعاره مفهومی «آدمیان، خرمن هستند» را به دست داد. براین اساس دستیابی به تفسیر دقیق متن مقدس، با رهیافت محقق به زبان متن پیوند تنگاتنگ دارد.

بنابر آنچه گذشت نباید نظرگاه‌های کلامی، فقهی و علمی‌ای که در سده‌های بعدی در جهان اسلام شکل گرفته‌اند معیار فهم قرآن قرار داد و آن‌ها را بر قرآن تحمیل کرد. افزون بر این، مبتنی بر استعاره مفهومی مذکور روشن شد که با یک پدیده نظام‌مند زبانی مواجه‌ایم که در توضیح ارتباط میان مفاهیم مختلف واژه «ذراً» در زبان‌های سامی توانا است. بنابراین کاربردهای مشابه واژه در قرآن و متون مقدس یهودی-مسیحی در همین پدیده نظام‌مند زبانی ریشه دارد.

## منابع

- قرآن کریم.
- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.
- ابن عاشور، محمدطاهر، التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
- ابن یعیش، ابوالبقاء، شرح المفصل، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۴۰۸ق.
- ارفع، سید کاظم، ترجمه قرآن، تهران، مؤسسه تحقیقاتی و انتشارات فیض کاشانی، ۱۳۸۱ش.
- آرلاتو، آنتونی، درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی، ترجمه دکتر یحیی مدرسی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۴ش.
- ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، تحقیق محمد عوض مرعب، بیروت، دار احیاء التراث العربی،

۲۰۰۱م.

- اسفراینی، شاهفور بن طاهر، تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ش.
- الهی قمشاهی، مهدی، ترجمه قرآن، قم، انتشارات فاطمه الزهراء، ۱۳۸۰ش.
- انصاریان، حسین، ترجمه قرآن، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۸۳ش.
- آیتی، عبدالمحمد، ترجمه قرآن، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۴ش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح، بیروت، دارالعلم الملايين، ۱۴۰۴ق.
- خرمشاهی، بهاء الدین، ترجمه قرآن، انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۴ش.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ق.
- دیوان عبید بن الابصر، شرح اشرف احمد عدره، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۴ق.
- دیوان مثقّب عبدی، تحقیق حسن کامل الصیرفی، مصر، معهد المخطوطات العربیة، ۱۹۷۱م.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق- بیروت، دارالعلم- الدارالشامیة، ۱۴۱۲ق.
- رشیدرضا، محمدرشید بن علی رضا، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، قاهره، الهيئة المصریة العامة للكتاب، ۱۹۹۰م.
- رهنما، زین العابدین، قرآن مجید با ترجمه و جمع آوری تفسیر، تهران، سازمان اوقاف، ۱۳۵۴ش.
- زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
- سور آبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، تفسیر سور آبادی، تهران، فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۰ش.
- شاه ولی الله دهلوی، احمد بن عبدالرحیم، ترجمه قرآن، مفسر حسین بن علی کاشفی، ایران- سراوان، کتابفروشی نور، بی تا.
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
- طبری، محمد بن جریر، ترجمه تفسیر طبری، گروه مترجمان، تهران، توس، ۱۳۵۶ش.
- همو، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- فخررازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- فرج، مراد، ملتقى اللغتين العبرية و العربية، اسکندریة، مطبعة السفیر، ۱۹۳۶م.
- فولادوند، محمدمهدی، ترجمه قرآن، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۴۱۸ق.
- کاویان پور، احمد، ترجمه قرآن، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۷۲ش.
- لیکاف، جورج و مارک جانسون، استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم، ترجمه جهان‌شاه میزاییگی، آگه، ۱۳۹۷ش.
- مشکور، محمدجواد، فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران،



- ۱۳۵۷ش.
- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
  - همو، تفسیر روشن، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰ش.
  - مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳ش.
  - همو، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ش.
  - میبدی، رشیدالدین احمد بن ابی سعد، *کشف الأسرار و عده الأبرار*، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۱ش.
  - نسفی، ابو حفص نجم‌الدین محمد، تفسیر نسفی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۷ش.
  - نوبری، عبدالمجید صادق، ترجمه قرآن، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۹۶ش.
  - نیشابوری، محمود بن ابو الحسن، *إيجازالبيان عن معانی القرآن*، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
  - Arberry, A.j., *The Koran Interpreted: A Translation*, New York. Simon & Schuster, 1996.
  - Bell, R, *The Qur'ān, Translated with a Critical Rearrangement of the Surahs*, Edinburgh: T. & T. Clark, 1960.
  - Blachère, R, *Le Coran, traduit de l'arabe*, Paris: G. P. Maisonneuve & LaRose, 1966.
  - Brockelmann, Carl, *Lexicon syriacum*, Halle: Niemeyer, 1928.
  - Brown, Keith & Jim Miller, *The Cambridge Dictionary of Linguistics*, University Printing House, Cambridge, 2013.
  - Bussmann, Hadumod, *Dictionary of Language and Linguistics*, London: Taylor & Francis e-Library, 2006.
  - Chouraqui, A., *Le Coran, l'Appel*, Paris: Robert Laffont, 1990.
  - Crystal, David, *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*, 6th Edition, Blackwell Publishing, 2008.
  - Gesenius, H. W. F, *Gesenius' Hebrew and Chaldee Lexicon to the Old Testament Scriptures: Numerically Coded to Strong's Exhaustive Concordance*, with an English Index of More Than 12,000 Entries, Samuel Prideaux Tregelles (tr.), Baker Book House, 1979.
  - Jastrow, Marcus, *A Dictionary of the Targumim, the Talmud Babli and Yerushalmi, and the Midrashic Literature*, Germany: Leipzig: printed by W. Drugulin, 1903.
  - Lane, E.W, *Arabic- English Lexicon*, London: Willams & Norgate, 1863.
  - Omar, Abdul Mannān, *The Dictionary of the Holy Qur'ān (Arabic Words – English Meanings, with Notes)*, Hockessin (Delaware, USA): Noor Foundation-International Inc, 2005.
  - Paret, R, *Der Koran*, Kohlhammer, Stuttgart, 1966.
  - Payne Smith, Robert, *A Compendious Syriac Dictionary*, Oxford: Clarendon, 1903.
  - William, Jennings, *Lexicon to the Syriac New Testament*, Oxford, Clarendon Press, 1926.
  - Wilson, William, *The Bible Student's Guide*, United States, Macmillan, 1870.

- Zammit, Martin R, *A comparative Lexical Study of Qur'ānic Arabic*, Leiden, Brill, 2002.
- <https://www.bible.com/bible/904>
- <https://www.bible.com/fa/bible/118> هزاره نو:
- Online text of the Comprehensive Aramaic Lexicon: <http://cal.huc.ed>